



فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی

دوره ۲۴، شماره ۸۷، پاییز ۱۳۹۸

صفحات ۲۰۷ تا ۲۴۲

امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی در روبه قضایی و حقوق کیفری ایران

(تاریخ دریافت: ۲۱ مهر ۱۳۹۷ - تاریخ پذیرش: ۵ خرداد ۱۳۹۸)

محسن محدث: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس

جعفر کوشا*: دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (ره)

علیرضا میلانی: استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلام‌شهر

مجید متین راسخ: استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس

چکیده

امنیت قضایی، مفهومیست که به موجب آن حیثیت افراد، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی شهروندان، در حمایت قانون و در صیانت قوه قضائیه قرار خواهند گرفت. البته تأمین امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، از وظایف حاکمیتی، یعنی تعهد دولت‌ها و در اصل برعهده دستگاه عدلیه و قوه قضائیه هر نظام حقوقی است. در این مقاله سوال اساسی این بوده که امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی (پیش از دادرسی) چیست، چه حقوقی را برای اصحاب به ارمغان می‌آورد و رویه قضایی نظام کیفری ایران در این خصوص چه رویکرد و حکمی دارد. در حقوق ایران به مولفه‌ها و مصادیق مختلفی از امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی شامل: منع بازداشت غیر قانونی، حقوق و تضمینات ناظر بر احضار متهم، حق اطلاع از موضوع اتهام، حق داشتن وکیل، محدودیت در قرار بازداشت موقت به عنوان مهم‌ترین عناصر امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی پرداخته شده و به طور ویژه مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. در رویه قضایی نیز می‌توان آرای را یافت که عدم رعایت عناصر امنیت قضایی موجب محکومیت انتظامی قضات شده است.

کلیدواژه‌ها: امنیت قضایی، تحقیقات مقدماتی، رویه قضایی، حقوق متهم، عدالت قضایی.

مقدمه

محترم شمردن قوانین و مهم‌تر از آن التزام عملی به قانون، از اولین پایه‌های استمرار و قوام جامعه و ایجاد نظم و امنیت فردی و اجتماعی است. در همین راستا امنیت قضایی، زمانی شکل خواهد گرفت که اصول دادرسی عادلانه به نحو گسترده تضمین‌کننده حقوق مادی و معنوی شهروندان و خصوصا اصحاب دعوا باشند. امروزه الزام و تمایل به استفاده از مکانیزم‌های حقوقی و ابزارهایی مادی چون: سامانه‌های الکترونیکی، تشکیل پرونده شخصیت متهم، الزامات تفهیم اتهام، حق دسترسی بازداشت‌شدگان به وکیل، استقلال بازپرس در صدور قرارها، اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق و ... موضوعات متنوعی را برای تحقیق و مطالعه فراهم نموده‌اند که بر آن شدید تا یکی از موضوعات مبتلا به امنیت‌مدار را به رشته تحریر درآوریم. هدف اصلی این مقاله، تبیین مفهومی به نام «امنیت قضایی» با تکیه بر ابزار دادرسی عادلانه و رعایت حقوق متهم در مرحله پیش از دادرسی است. در حقیقت، دادرسی عادلانه، یکی از حقوق بنیادین بشری است که صحت، کارایی و سلامت سیستم قضایی یک کشور را تضمین می‌کند و از همین این‌رو، ضمن رعایت کامل حقوق قضایی، امنیت قضایی را نیز تأمین می‌نماید (کلانتریان، ۱۳۸۰: ۴۵). همچنین امنیت قضایی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و انواع آن، به عنوان حقوقی بنیادین و لازم‌الاجرا دارای ویژگی‌های حقوق سخت و از قواعد لازم‌الاجرا می‌باشد (بی پروا، ۱۳۹۷: ۶۹).

از حقوق مربوط به موضوع امنیت قضایی که در اسناد بین‌المللی معتبر، از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده، مواردی چون: آزادی و امنیت شخصی، حق دسترسی به دادگاه، حمایت در برابر بازداشت غیرقانونی و ... می‌توان به اجمال نامبرد (donnelly, 1999: 74). از آنجا که حاکمیت (دولت به معنای اعم)، به تأمین امنیت قضایی تحت عنوان یکی از ابعاد مختلف حقوق شهروندی موظف بوده لذا به نظر می‌رسد گام اول برای تحقق این امنیت، گسترش بسترهای قانونی در راه آموزش و حفظ حقوق شهروندی باشد. واز طرفی قوانینی در راستای تضمین حقوق قضایی شهروندان و در درجه بعد برای اصحاب دعوا، نزد مراجع انتظامی و محاکم قضائی وضع شود. حال شاید ابتدا به جهت اینکه بحث امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه قضایی آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است در ثانی در کنار اهمیت موضوع رایج و مهم دیگر، یعنی رابطه

امنیت قضایی و حقوق شهروندی- انجام تحقیق حاضر را به یک ضرورت مبدل ساخته است. مسئله اصلی این تحقیق بررسی این موضوع بوده که اساساً چیستی و مصادیق امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی چگونه قابل ارزیابی و در نهایت دستیابی و مراقبت است؟ همین جا باید گفت با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... مجریان قانون نمی‌توانند برای هماهنگی با تغییرات روز جامعه منتظر ارائه تفسیر مناسب از قانونگذار یا تصویب قوانین جدید بمانند لذا اگر به وسیله رویه قضایی این تحول و تطول صورت نگیرد و قاعده حقوقی در راستای تفسیر منطبق با واقعیات و نیازهای جامعه از قانون ایجاد نشود، قانون مسکوت و یا مجمل می‌ماند و یا دارای اثر مورد نظر قانونگذار نخواهد بود.

در این پژوهش ضمن توجه دادن به مراتب، سطوح و موضوعات امنیت در کنار عدالت قضایی، با تکیه بر مفهوم متغیری چون «ادارسی عادلانه»، ارتباط عدالت و امنیت به این صورت که عدالت در یک مفهوم زمینه‌ساز امنیت است و در مفهومی دیگر که نتیجه و ثمره توجه به امنیت، عدالت می‌باشد، ارائه شده است. در پاسخ به سوال مورد تحقیق ابتدا مفهوم امنیت قضایی و مبانی آن، سپس مصادیق امنیت قضایی به طور خاص در مرحله کشف جرم و در ادامه در مرحله تحقیقات مقدماتی تبیین شده و به تحلیل و نتیجه بحث پرداخته می‌شود.

۱. کلیات امنیت قضایی (مفهوم و مبانی)

«امنیت» و «عدالت» از ابهام‌آمیزترین و چالش‌برانگیزترین اصطلاحات حوزه مطالعات علوم انسانی هستند. شاید یکی از دلایل این ابهام و مناقشه، مُشگک بودن این دو اصطلاح باشد؛ بدین معنا که هم عدالت و هم امنیت مقوله‌هایی ذومراتب هستند و سطوح و جلوه‌های مختلفی را در برمی‌گیرند (حاجی زاده، هادی، ۱۳۹۵: ۶۳).

در واقع امنیت قضایی به این معناست که افراد بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن به حقوق خود اعم از حق فردی یا اجتماعی برسند (به اجرای عدالت دست پیدا کنند). حال در بررسی واژه امنیت که به معنی فراغت نسبی هر انسانی از تهدید یا حمله می‌باشد؛ و شامل انواع و دسته‌بندی‌هایی مانند: امنیت فردی، امنیت عمومی، امنیت خانوادگی، امنیت اجتماعی و ... موضوع امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی، موضوع بررسی قرار گرفته است:

۱-۱. مفهوم امنیت قضایی

امنیت در لغت به معنای ایمن شدن، در امان بودن، آرامش و آسودگی است. (عمید، ۱۳۸۱: ۱۵۶). در حالی که امنیت قضایی در اصطلاح حقوقی «اطمینان خاطر است که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند تا نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند» (هاشمی، ۱۳۹۱: ۴۴۱). همچنین این حقوقدان، قاضی و قانون را تاسیساتی تأمین‌کننده آزادی و امنیت می‌داند. همانطور که عده‌ای عقیده دارند: «امنیت قضائی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد دادگاه‌ها در به کار بستن ضمانت‌های اجرایی قانون، به ترتیبی که شهروندان را قبل از نقض قوانین و تعهداتشان از آن عمل باز دارد»^۱ امام علی (ع) با فضیلت‌ترین مردمان را کسی می‌داند که به بیشترین حد، به حق قضاوت کند. در این ساحت به نظر می‌رسد که نظام قضائی هر کشوری می‌تواند مدافع حقوق شهروندان، مجری عدالت و رکن اصلی ایجاد امنیت قضائی باشد.

بنابراین امنیت نه تنها یک ارزش [والا] و به خودی خود مطلوب است بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به مطلوب‌های دیگر (کاظمی پور، ۱۳۷۵: ۷۶). به عبارت دیگر آثار قوانین در حمایت از ارزش‌ها و منافع اجتماعی بروز پیدا نمی‌کند مگر اینکه قوه قضائیه این حمایت را تضمین و سرپرستی کند. برابر بند ۶ اصل ۲ ق.ا.ج.ا.^۲ برای تأمین امنیت قضایی، و حفظ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی‌های مشروع او در جامعه، تنها راه رسیدن برپائی قسط و عدل واقعی است. از این رو برای اینکه همه افراد در مقابل قانون یکسان تلقی شوند و در نتیجه تساوی عموم در برابر قانون محقق گردد؛ امنیت سازی قضائی اولاً: بر عهده حکومت (دولت‌ها) و ثانیاً: وظیفه ذاتی قوه قضائیه خواهد بود. کلید واژه‌ای که عیناً در قانون اساسی ایران و، از جمله در شرح وظایف دولت به معنی اعم ذکر شده است.^۳ بنابراین امنیت قضایی را می‌توان در تعریف زیر بیان کرد:

۱. نقل از پایگاه اینترنتی شکایت انتظامی، تاریخ مشاهده ۱۳۹۸/۲/۱۸، به نشانی:

<<http://shekayateentezami.blog.ir>>

۲. بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خدا که از راه نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»

۳. بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی: «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در

«عملکرد صحیح، به هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد.»

اگر اهداف نظام قضایی در کشور را، تأمین و دفاع از حقوق شهروندان بدانیم، امنیت قضایی آن هنگام حاصل خواهد شد که قواعد، احکام، نهادها، سازمان و فعالان موجود در بخش قضایی کشور (مجموع ورودی‌ها، فرآیند قضاء و خروجی‌های نظام قضایی) در رسیدن به این اهداف، تلاش ورزند، از این رو اگر نظام قضایی موجود باشد و به هر علت نتواند به اهداف یاد شده نایل گردد، خواهیم گفت که به میزان محروم شدن از اهداف نظام قضایی، از امنیت قضایی محرومیم (علینقی، «۱۳۷۹: ۵۳ و ۵۴»); در نتیجه مواردی که تضمین کننده حقوق شهروندان است مانند: اصل برائت برای متهم، شخصی بودن مجازات‌ها، تساوی افراد در برابر قانون، اصل علنی بودن رسیدگی و محاکمات و همچنین بررسی این قوانین در امنیت قضایی متهم و شاکی در مرحله رسیدگی و تحقیقات مقدماتی، باید همیشه مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند (سیاح، ۱۳۹۴: ۱).

۲-۱. مبانی نظری امنیت قضایی

برای شناخت و نیز حمایت از امنیت قضایی، در کنار ظهور مفاهیمی چون مشروعیت^۱ و عدالت طبیعی^۲ و ... اصلاح قوانین بر اساس مکتب فطری- انسانی اسلام و نیز بهره‌مندی از تجارب حاصل از رویه قضایی، باید به مقوله کرامت ذاتی انسان‌ها اشاره کرد. انسان به علت داشتن کرامت ذاتی بهره‌مند از برخی حق‌های بنیادین است که این حقوق اولیه در اسناد حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی^۳ بازتاب یافته‌اند.

→

برابر قانون».

۱. مشروعیت (Legitimacy) در لغت به معنای «قانونی بودن» و «مطابق با قانون» مشروعیت به «حقانیت» اشاره دارد و عبارت است از توجیه عقلانی اعمال حکومت از سوی حاکم. به عبارت دیگر، مشروعیت، یک ویژگی در نظام حکومتی است که حاکم به مدد آن، حکمرانی خویش را صحیح می‌داند و مردم تبعیت از حکومت را وظیفه خود می‌شمارند. نقل از پایگاه اطلاع رسانی حوزه <<https://hawzah.net/fa/Article/View/>>

۲. عدالت طبیعی؛ همان قواعد همگانی و نوعی است که از طبیعت اشیاء سرچشمه می‌گیرد و ارتباطی با عقاید اشخاص و قوانین حاکم بر جامعه ندارد.

۳. از جمله: اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹، پیمان نامه حقوق کودک، پروتکل‌های اختیاری معاهده حقوق کودک،

←

از سوی دیگر امنیت حقوقی به عنوان اصلی پویا از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است. به طوری که فقه اسلامی به عنوان ریشه حقوق موضوعه [ایران] در موارد بسیاری به مصادیق این اصل اشاره دارد^۱، از جمله برابری احاد مردم در مقابل قانون، تامین حقوق اجتماعی افراد (بیمه سلامت، حق بازنشستگی و ...)، حق داشتن وکیل و دادخواهی در دادگاه‌ها و ده‌ها حق مسلم دیگر. به طور مبنایی برای حفظ کرامت انسان‌ها و در مسیر ایجاد امنیت قضائی، برخی اصول در نظام‌های کیفری تعیین شده است که رعایت آن‌ها به تبع عدالت و امنیت قضایی را تامین می‌کند

همچنین برای بررسی میزان مطلوبیت هر موضوع یا فرایند، از جمله قانون و قانونگذاری، به ناچار باید آن را با مقوله عدالت ارزیابی کرد. عدالت در معنای عملی خود با مفاهیم نزدیک و هم خانواده‌هایی مانند: برابری، اخلاق، قانون، انصاف، آزادی در می‌آمیزد (بشریه، ۱۳۸۳: ۷-۸). بدین ترتیب، در این جوامع افراد ملت مشمول محدودیت‌ها و اوامر و نواهی قانونی قرار نمی‌گیرند مگر با اعمال مقررات قانونی در مراجع قضایی که در آن کلیه معیارهای دادرسی عادلانه، مد نظر قرار گرفته باشد (قاضی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). پس امنیت قضایی هر کشور بستگی به کارکرد نهادهای متعدد کشوری بالاخص دستگاه قضایی آن کشور دارد و کارکرد صحیح این قوه و دادگستری‌ها در اقصی نقاط کشور امنیت و آزادی را به دنبال می‌آورد. مهم‌ترین عناصر و مولفه‌های امنیت قضایی عبارتند از: حاکمیت قانون، به معنای احترام و التزام مسئولان نظام و مردم به قانون و حسن اجرای آن در جامعه؛ استقلال قضایی؛ به این معنا که قضات مطابق قانون و وجدان و بنابر تشخیص قضایی خود و بدون نفوذ هرگونه مقامی حتی مقامات قضایی بالاتر از خود مبادرت به صدور حکم و اتخاذ تصمیم قضایی نمایند (سیاح، ۱۳۹۴: ۱). حال تضمین واقعی برای برخورداری افراد یک

→

کنونسیون منع شکنجه و دیگر رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنواسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، کنواسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان، کنواسیون مربوط به وضع پناهندگان، کنواسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون مربوط به رضایت با ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها، اعلامیه جهانی حقوق کودک، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد، اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی، اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران و ...

جامعه از حقوق بنیادین در باب امنیت، یکی تامین دادرسی عادلانه برای شهروندان به معنی عادلانه برگزار شدن دادگاه‌ها، به عنوان یک قاعده کلی و دیگری تشخیص حق از باطل و اجرای عدالت واقعی در جزء جزء فرآیند دادرسی است و لذا استناد و اتکاء بر اصول و ساز و کارهای دادرسی عادلانه (عدالت شکلی) و به دنبال آن احقاق حقوق و فصل خصومت و ایجاد صلح و سازش (عدالت ماهوی) در مرئی و منظر عموم مردم، تقویت هر چه بیشتر امنیت قضائی - در مرحله تحقیقات مقدماتی و نیز در مراحل مختلف دادرسی را در بر خواهد داشت. به این منظور به مرور بر اصول هفت گانه دادرسی عادلانه مورد توجه و رعایت نظام‌های حقوق؛ می‌پردازیم.^۱

۱-۲-۱. اصل برائت

اصل برائت از بنیادی‌ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی، به این معنی است که بنای دادرسی بر عدم ارتکاب جرم توسط افراد قرار دارد؛ مگر اینکه با رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم فرد در یک مرجع صالح قانونی ثابت شود. حق بهره‌مندی از این اصل در اصل ۳۷ ق.ا، بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی،^۲ بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۸۷،^۳ همچنین ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت مورد تایید قرار گرفته است؛ و در حال حاضر ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری با ظهور کامل به این اصل اشاره کرده است:^۴

از آن جا که اصل «برائت» نتیجه منطقی اصل قانون بودن جرائم به شمار می‌رود و در امور کیفری کاربرد بسیار حائز اهمیتی دارد لذا اصل «امنیت حقوقی» ایجاب می‌کند که شهروندان

۱. آخرین مشاهده ۱۳۹۸/۲/۱۸ کدخبر 55979 1392/03/20 - ۱۷:۴۶

<<https://www.parsnews.com>>

۲. بند ۲- «محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳. ماده ۱۷۷ - پس از ارجاع پرونده به شعبه دادگاه و عدم نیاز به تحقیق و یا اقدام دیگر دادگاه به شرح زیر عمل می‌نماید: الف - چنانچه اتهامی متوجه متهم نبوده یا عمل انتسابی به وی جرم نباشد دادگاه اقدام به صدور رأی برائت و یا قرار منع تعقیب می‌نماید.
 ۴. «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.»

اطمینان داشته باشند که به جز در مواقع احراز جرم، هیچگاه وضعیت حقوقی آنان دگرگون نمی‌شود و همواره تا پیش از تغییر وضعیت حقوقی از حمایت نظام حقوقی برخوردار هستند. [علاوه بر این] پذیرش اصل برائت دو اثر عمده دیگر در دادرسی کیفری دارد: یک اثر آن حق‌های دفاعی متهم و دیگری حق‌های ناظر بر تأمین آزادی متهم است (بهمنی قاجار، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

۱-۲-۲. اصل دادرسی توسط مقامی بی‌طرف

یکی دیگر از اصول مهم دادرسی، اصل بی‌طرفی مقام قضائی در دادرسی است. (بی‌طرف بودن، از جمله تعهداتی است که قاضی باید دارا باشد).^۱ و منظور از اصل استقلال و بی‌طرفی رسیدگی کننده آن است که اولاً قضاوت بدون جانبداری سیاسی، حقوقی و اعتقادی به وظیفه خویش پردازند و ثانیاً؛ رسیدگی قضایی باید مستدل، مستند و در چارچوب قوانین حاکم باشد. درباره تأمین این حق و رعایت این اصل در بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود.» در ماده ۱۰ این اعلامیه نیز گفته: «هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی‌طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند.»^۲ اکنون در مقررات ایران نیز به صراحت از بی‌طرفی در دادرسی سخن رفته است و ماده ۳ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند...» ملاحظه می‌شود در بیان اصول قطعی دادرسی عادلانه و برای تأمین امنیت قضائی قانونگذار سال ۱۳۹۲ در بخش اول- به نام کلیات، فصل اول- در جایگاه تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن، اصول حقوقی و قواعد آمره‌ای را درج و

۱. ر.ک سیفی و امیر اقدم، ۱۳۹۵

۲. کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل در سال ۱۹۶۶ میلادی در ماده ۱۴ خود به این موضوع تأکید کرده است که: «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او با اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.»

اشاره کرده است که آرزوی مجریان دستگاه قضائی و شهروندان بوده است.

در کنار این، رویه قضایی به واسطه عوامل مهمی چون استقلال قاضی، قضاوت عادلانه، احترام به حقوق مکتسبه، درک مشترک از قانون، عملکرد بدون تبعیض نقش بسیار مهمی در تحقق امنیت قضایی دارد (سیفی و امیرا قدم، ۱۳۹۵: ۱۵۷). همچنین در ارزیابی‌ها، قضاوت براساس میزان عدل مورد سنجش قرار می‌گیرد و لازمه سلامت این معیار، خالی بودن دستگاه قضایی از هرگونه اثرپذیری از منافع یا عواطف شخصی می‌باشد (همان: ۱۵۷). البته وظیفه قانون نیز تضمین بی‌طرفی از طریق تعیین دلایلی که ممکن است منجر به عدم ایجاد بی‌طرفی شود، می‌باشد. بنابراین قانون می‌بایست بی‌طرفی دستگاه قضایی را از طریق اعمال وظایف مشخص بر قوه قضائیه بر عهده بگیرد (همان: ۱۵۷).^۱

بنابراین یکی از سازوکارهای تأمین امنیت قضایی در روایات، رعایت عدالت و تساوی افراد در برابر قانون است که از پایه‌های اساسی قضاوت به شمار آمده است. در همین راستا در کلامی امام صادق (ع) فرموده‌اند: «هر کس درگیر قضاوت شد، باید در اشاره و نگاه کردن و محل نشستن، تساوی را رعایت کند».

۱-۲-۳. اصل علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن محاکمات نیز به عنوان یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه، وضعیتی است که در آن بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه‌های عمومی، جلسات رسیدگی به اتهام متهم تشکیل و اداره می‌شود. ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و بند ۱ ماده اعلامیه حقوق بشر بر علنی بودن رسیدگی تاکید کرده‌اند. البته اصل ۱۶۵ قانون اساسی مقرر کرده است: «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی

۱. در ماده ۷۴ قانون قوه قضائیه مصر، قاضی مجاز به فعالیت تجاری هم‌زمان با انجام قضاوت نمی‌باشد، یعنی نمی‌تواند هم به امر قضاوت بپردازد و هم‌زمان با آن به کارهای دیگر مشغول باشد. هم‌چنین قاضی مجاز نیست به هرکاری اعم از دریافت مزد یا بدون دریافت مزد بپردازد که منطبق با استقلال دستگاه قضایی، کرامتش و جایگاه وی نباشد. یا کاری که در حال انجام آن می‌باشد در تعارض با وظایف قاضی یا حسن انجام کار وی باشد. هم‌چنین طبق قانون قوه قضائیه مصر تأثیرپذیری قاضی از منافع شخصی چه در زمان قبل از قضاوت (انجام امور مربوط به وکالت) و چه در زمان بعد از قضاوت ممنوع می‌باشد. این ضمانت‌های پیشگیرانه مسؤولیت تضمین بی‌طرفی قاضی را برعهده دارد. قانون با مواعی که بر سر راه قاضی می‌گذارد؛ بی‌طرفی در قوه قضائیه و قضات را سازماندهی می‌کند و قدرت قاضی را هنگام حل اختلافات کاهش می‌دهد.

بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمات علنی نباشد.»

اگرچه تحقیق مقدماتی (پیش از دادرسی) چه در دادسرا و چه در محاکم بدوی غیرعلنی است،^۱ (ولی این مقطع با اصل دادرسی توسط مقامی بی طرف تضمین خواهد شد، یعنی محرمانه بودن تحقیقات برای کشف حقیقت است نه جمع آوری علیه متهم) لذا با گذر از محدودیت ماده ۱۹۲ قانون آئین دادرسی کیفری می توان به دادرسی علنی و رسیدگی عادلانه در نظام کیفری ایران اشاره نمود، چراکه علنی بودن محاکمه یک اصل بدیهی و مقبول جوامع است. پس از سپری شدن مرحله تحقیقات مقدماتی؛ اصل بر توافقی و علنی بودن محاکمه است.

۱-۲-۴. اصل بهره‌مندی از وکیل (حق داشتن وکیل)

یکی دیگر از اصول دادرسی منصفانه را حق متهم به داشتن وکیل عنوان می کنند که در اصل ۳۵ قانون اساسی پیش‌بینی شده است. در حال حاضر این حق ضمن مواد ۵، تبصره ۲ ماده ۱۳، ۴۸، ۶۸، ۸۶، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۶۳ و ... قانون آیین دادرسی کیفری مطرح و تثبیت شده است و در صورت عدم رعایت این ضوابط نظیر سلب حق همراه داشتن وکیل، منجر به محکومیت انتظامی قضات خواهد شد.^۲ در این قسمت با ذکر مواد مرتبط، گذری به موضوع اصل بهره‌مندی از وکیل می‌شود:

۱. حق دسترسی به وکیل: «ماده ۵- متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.»

۲. تقاضای همراهی وکیل: «ماده ۴۸- با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید.»

۱. طبق ماده ۹۱ ق. آ. د. ک: «تحقیقات مقدماتی به‌صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.»

۲. تبصره ۱: «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است. تبصره ۲: «در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.» تبصره ۳: «درمورد این ماده و نیز چنانچه اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد، مفاد ماده ۱۹۱ جاری است.»

۳. نحوه حضور و اختیارات وکیل: ماده ۱۹۰ «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بدانند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود»

۱-۲-۴. اصل بهره‌مندی از وکیل (حق داشتن وکیل): به عنوان یکی از اصول دادرسی عادلانه در جهت تامین امنیت قضائی افراد جامعه تا به آنجا مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است که برای رعایت اصل برابری سلاح‌ها، در مقطعی وکیل می‌تواند در محاجه با مقام قضائی مبادرت به تذکر موضوع تبصره ماده ۱۹۵ نماید^۱ «تبصره- وکیل متهم می‌تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد»

۱-۲-۵. اصل تفهیم اتهام به متهم

این حق متهم می‌باشد که از جانب مقام قضایی اتهام وی به نحوه‌ای بیان شود که با توجه به شرایط و وضع متهم برای او قابل درک باشد. تفهیم اتهام باید با ذکر ماده قانونی که توسط متهم نقض شده و از جانب مقام قضایی صورت بگیرد. حق اطلاع دقیق از زمینه اتهام، نوع و درجه آن که در ابتدایی‌ترین مراحل تعقیب و تحقیق باید صورت پذیرد تا متهم بتواند خود را برای دفاع مناسب آماده سازد.

پیش از این در ماده ۱۲۷ و بعد ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸^۲ ضمن

۱. ماده ۱۹۵: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند. پرسشها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است»

۲. ماده ۱۲۷ قاضی مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف (۲۴) ساعت مبادرت به تحقیق نماید. در غیر اینصورت بازداشت غیرقانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد»

- ماده ۱۲۹ «قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم (اسم، اسم پدر، شهرت، فامیل، سن، شغل، عیال، اولاد و تابعیت) و همچنین آدرس (شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه و شماره منزل) او را دقیقاً سؤال نموده به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکرمی‌شود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آنرا به صورت صریح به متهم

اشاره به لزوم تسریع در تحقیقات مقدماتی به این اصل تفهیم اتهام اشاره‌ای شده بود و حق تفهیم اتهام برای متهم را به رسمیت شناخته شده بود. به دلیل اهمیت تفهیم در بند ۲ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده: «هرکس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع گردد و در اسرع وقت اختطاریه‌ای دایر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، دریافت دارد.»^۱

و اما در ادامه قانون آئین دادرسی کیفری در مواد ۵، ۶ و ۷ برای تأمین عدالت قضائی و جری تشریفات دادرسی عادلانه هر چه تمام‌تر پایه‌گذاری امنیت قضائی را شکل می‌دهد:

۱. آگاهی از حقوق دفاعی متهم: ماده ۵ «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود»

۲. آگاهی اصحاب دعوا از موضوع دادرسی: ماده ۶ «متهم، بزهدیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود»

۳. رعایت حقوق شهروندی و ضمانت اجرای نقض آن: ماده ۷ «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲) محکوم می‌شوند،^۲ مگر آنکه در

→

تفهیم می‌کند آنگاه شروع به تحقیق می‌نماید. سئوالات باید مفید و روشن باشد. سئوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود.»
 ۱. در همین راستا اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۲. ماده ۵۷۰: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاههای حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد»

پس به طور کلی تحقق امنیت قضایی از مهم‌ترین نیازها و حقوق انسانی شهروندان است. امنیت قضایی موجب اعتماد و اطمینان شهروندان نسبت به جامعه می‌شود و زمینه‌ی رشد و بالندگی جوامع را فراهم می‌کند و فقدان یا ضعف آن موجب اختلال در نظم اقتصادی و سیاسی می‌شود.

۱-۲-۶. اصل مُحِق بودن متهم به سکوت

برخورداری از حق و بهره‌مندی از اصل محق بدون متهم به سکوت موجب می‌شود متهم بدون آنکه تکلیفی داشته باشد از این حق به عنوان ابزاری در جهت تامین حقوق و آزادی‌های شهروندی خود استفاده کند، یعنی در برابر پرسش‌ها ساکت بماند. در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق بشر آمده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود، حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده» برخوردار شود. همچنین در بند «ز» اعلامیه آمده است «... مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند».

البته ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر می‌داشت: «دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و روشن شدن موضوع لازم است از طرفین و شهود و مطلعین خواهد کرد. در صورتی که متهم جواب پرسش‌ها را ندهد؛ دادگاه بدون اینکه متهم را به دادن جواب مجبور کند، رسیدگی را ادامه می‌دهد». این در حالیکه وفق بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی پیش‌بینی شده است که «هر متهمی حق دارد از پاسخ دادن به پرسش‌های مراجع کشف جرم و تعقیب که ارتباطی به جرم و تعقیب ندارد و مربوط به امور شخصی و خانوادگی اوست، خودداری کند» به نظر می‌رسد این ماده حق سکوت را محدود به سوالات غیر مشروع و غیر مرتبط دانسته است.^۱

۱-۲-۷. اصل منع شکنجه

به موجب اصل ۳۸ قانون اساسی «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است و اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است». بنابراین علاوه بر هرگونه اذیت یا آزار بدنی فرد که حد اعلائی شکنجه است، هر

۱. بند ۱۱: «پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و

سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد»

اقدامی که عرفاً اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی شود، نیز می‌تواند از مصادیق شکنجه باشد، همچون بازداشت یا حصر زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی، چشم‌بند زدن به زندانی در محیط زندان یا بازداشتگاه، بی‌خوابی دادن به زندانی و بازجویی در شب، توهین و فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده زندانی، ممانعت از ملاقات متهم با وکیل و ممانعت از انجام فرایض مذهبی که تماماً نقض حقوق و آزادی‌های انسانی است.

اهمیت این مبحث و موضوع ممنوعیت شکنجه تا حدی است که در مواد ۴۲، ۵۳ و ۵۹ قانون آئین دادرسی کیفری با تأسیس ضابطان تخصصی، وظایفی خطیری را به عهده بازجویان می‌گذارد تا شائبه خطا و یا نقض امنیت قضائی افراد در معرض خطر (خصوصاً کودکان و بانوان) پیش نیاید.

۱. ضابطان آموزش دیده خاص: ماده ۴۲ «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود»

۲. حقوق انسانی بازجویی شونده: ماده ۵۳ «ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.

۳. توثیقات صحیح تحقیق از متهم نزد بازپرس: ماده ۶۰ «در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست»

۴. منع اغفال، اکراه و اجبار: «ماده ۱۹۵- پرسشها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است»

همچنین مشاهده می‌شود مواد ۶۰ و ۱۹۵ قانون آئین دادرسی کیفری حال حاضر، در ادامه ضمانت‌های امنیتی قضائی - به پیروی اسناد بین‌المللی و ملی هرگونه اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام حین بازجویی

را ممنوع دانسته و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نمی‌داند.

۲. امنیت قضایی در مرحله کشف جرم (پیش از دادرسی)

کشف جرم اولین مرحله از فرایند پنج مرحله‌ای دادرسی کیفری است، تا جرمی کشف نشود چرخه دادرسی کیفری به حرکت در نخواهد آمد (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۶). گرچه در مقررات از کشف جرم تعریفی صورت نگرفته است، لکن ماحصل تتبع در مقرره‌های ۱، ۲۲، ۲۸ و ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ایران فرایند «تحقیقات مقدماتی» این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه اقدامات قانونی مانند حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، تحت نظر قرار دادن، تفتیش و بازرسی، انگشت نگاری، بررسی صحنه جرم و ... به منظور اطلاع از وقوع جرم از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی.» بنابراین مرحله کشف جرم از مراحل دقیق و حساس دادرسی کیفری است که بیشتر حقوق و آزادی‌های متهم در معرض تعدی و تجاوز ضابطان و مجریان قانون قرار می‌گیرد که به‌زودی در این باره مطالب ارائه خواهد شد لکن اصولی که به عنوان مصادیق امنیت قضائی بیان می‌دارند شامل موارد زیر است:

۱-۲. منع بازداشت غیر قانونی

آزادی و امنیت شخصی هر فرد یکی از حقوقی است که برای همه انسان‌ها به رسمیت شناخته شده و در اسناد بین‌المللی حقوق بشر (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ خورشیدی)^۱ همان‌طور که دولت‌ها موظف به پاسداری از آن شده‌اند. چون این حق آثار مهمی دارد لذا برپایه آن، همه افراد همواره باید از حق آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص باید در موارد استثنایی باشد که برپایه قانون و دستور مرجع قضایی و به حکم ضرورت گریزناپذیر انجام گیرد و باز هرچه زودتر دادرسی عادلانه و منصفانه درباره کسانی که آزادیشان سلب شده به عمل آید. اشخاص دستگیرشده حق اعتراض به دستگیری یا بازداشت خود را داشته باشند و

۱. ماده ۹: «هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه بازداشت کرد یا زندانی ساخت یا تبعید نمود.»

خسارت آنان در صورت دستگیری یا بازداشت غیرقانونی جبران گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۳۳-۲۳۲).

تعهدات دولت‌ها در زمینه پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی همچون: اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۹) و در اسناد منطقه‌ای مانند: کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (ماده ۵) تصریح و به آثار چنین حقی نیز اشاره شده است. این مسئله دارای سابقه زیادی نیز در سطح اتحادیه اروپا می‌باشد؛ به گونه‌ای که مقررات بسیاری برای حمایت از افراد در سطح اتحادیه اروپا در برابر بازداشت‌های غیرقانونی وجود دارد (Jimeno-bulnes, 2010: 5).

طی مباحث حقوق اساسی برخی از مصداق‌های حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شده است؛ به طور مثال در اصل ۳۲ قانون اساسی^۲ بر ممنوعیت توقیف خودسرانه تأکید شده و مرجعی که به بازداشت دست می‌زند باید حداکثر در ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی را به مرجع صالح قضایی بفرستد. (حجتی اشرفی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۴) اصول ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹ قانون اساسی نیز آثاری از حق آزادی و امنیت شخصی را به رسمیت شناخته است. اگرچه کمبودهای قانونی چشمگیری در زمینه پاسداری از حق آزادی متهم وجود دارد و به‌ویژه در قانون آیین دادرسی کیفری با اعطای اختیار گسترده به قاضی برای بازداشت و نیز پیش‌بینی قرار بازداشت اجباری، حقوق ناظر بر آزادی متهم سخت محدود گردیده است (کشاورز، ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۶۳).^۳

بر اساس ماده ۴۴ و برابر ذیل ماده ۴۶ قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد. علاوه بر ضابطان

۱. از آنجا که دول عضو متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل تامین کنند.

۲. اصل ۳۲ قانون اساسی: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۳. در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، به حقوق ناظر بر آزادی متهم توجه ویژه‌ای شده است، از جمله بند ۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

تکلیف مقام تحقیق نیز در این ماده اجرای ترتیب تفهیم اتهام و تعیین تکلیف متهم تا پیش از اتمام مهلت بازداشت قانونی توسط مرجع انتظامی و مهلت قضائی توسط داسرا است. از این رو چون رویه قضایی نقش مهمی در تحقق امنیت قضایی و حتی اقتصادی جامعه دارد؛ باید مورد بررسی قرار بگیرند. برای تشریح رویه قضایی در خصوص منع بازداشت غیرقانونی باید به پرونده سال ۱۳۸۸ معروف به کهریزک^۱ اشاره کرد که در آن دادستانی در کیفرخواست خود چند تن از قضات مسئول پرونده را که در حوادث مربوطه به صورت خودسرانه و با دستورات فاقد وجاهت قانونی موجبات بازداشت عده‌ای از شهروندان را فراهم نمودند را متهم به «مشارکت در بازداشت غیرقانونی» کرده است.^۲

از همین منظر در نتیجه باید گفت وقتی بازداشت غیرقانونی احراز شود؛ نه تنها موجب مسئولیت کیفری قاضی می‌شود بلکه مطابق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مسئولیت مدنی مرتکب را نیز به دنبال دارد که در حقوق کیفری تحت عنوان تقصیر قاضی نام برده می‌شود.

۲-۲. حقوق و تضمینات ناظر بر نحوه احضار متهم

از جمله رعایت تشریفات و تضمینات ناظر بر احضار و جلب متهمان، عادلانه بودن دادرسی کیفری و ایجاد احساس امنیت قضائی برای شهروندان جامعه خواهد بود. همچنان که عدالت قضایی مانعی در جهت سوءاستفاده متجاوزین به حقوق افراد از طریق وسیله قرار دادن دستگاه عدالت کیفری- به منظور رسیدن به امیال نامشروع خود- من باب احضار یا جلب متهمان می‌شود. در قوانین آیین دادرسی کشورهای مختلف اولین مرحله جهت تحقیقات از متهم، احضار و یا فراخواندن فرد می‌باشد لذا اصل بر احضار ابتدایی بوده و حربه جلب متهم، یک استثنا بر احضار تلقی می‌گردد. البته رویه قضایی کشورهایی چون انگلستان نیز مشابه ایران می‌باشد (zander, 200: 200). به هر حال آمره بودن قواعد احضار و شرایط احضارنامه، امری بدیهی و مورد تاکید

۱. پرونده شماره ۹۰۰۰۳۷ جرایمی در شعبه پانزدهم بازپرسی دادرسی کارکنان دولت مورخه ۶ اسفند ۱۳۹۱

۲. متن کیفرخواست صادره از سوی دادستانی تهران در پرونده موسوم به بازداشتگاه کهریزک به شرح زیر بود:

۱. «ع. الف. ح» فرزند م، دادیار معلق از خدمت دادرسی عمومی و انقلاب تهران متهم است به مشارکت در بازداشت غیرقانونی.
 ۲. «ح. ز. د» فرزند ع، معاون معلق از خدمت دادرسی عمومی و انقلاب تهران حسب شکایت آقایان (ع. ج) و (م. ر) متهم است به مشارکت در بازداشت غیرقانونی.

مراجع استنادی همچون اداره کل حقوق قوه قضائیه می‌باشد:^۱

در مقابل قوانین ماهوی جزایی، قوانینی وجود دارد که سازمان، نیروی انسانی و طرز تشکیل و فعالیت مراجعی را که به جرایم رسیدگی می‌کنند. چگونگی شکل‌گیری دادرسی‌های جزایی، نحوه احضار و بازجویی از متهم، شهود، شاک، صدور رأی و اعتراض بر احکام را تنظیم و تنسيق می‌نماید که آنها را حقوق جزای شکلی و یا آیین دادرسی جزایی می‌نامند (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). احضار از طرق دیگر مانند: پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن و نظایر آن تا پیش از این مبنای قانونی نداشت ولی قانون جدید آیین دادرسی کیفری در احضار متهم راهی فراتر از قوانین کیفری مصوب تاکنون را برگزیده و از این لحاظ نوآوری قانون حاضر موجب تامین هر چه بیشتر امنیت قضائی متهم در مرحله پیش از دادرسی شده است.^۲

در بیان شرایط احضار و بر اساس ماده ۱۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری، احضار متهم الزاما به موجب فرم‌های مخصوص «احضاریه» صورت می‌گیرد که مطابق با ماده ۱۷۰ قانون مذکور در احضاریه مشخصات شخص احضار شده، تاریخ و محل و ساعت حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌گردد و به امضاء مقام قضایی می‌رسد؛ پس این برگ تنها به امضا مقام قضائی صادر کننده آن دارای اثر حقوقی بوده و امضا منشی یا ضابط در آن واجد اعتبار نخواهد بود. البته برابر تبصره ماده اخیر «در جرایمی که به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، علت احضار ذکر نمی‌شود، اما متهم می‌تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضایی مراجعه کند.»

از آنجا که احضار بدون تنظیم برگ احضاریه، موجب تخلف و محکومیت است در یک نمونه رای به عنوان رویه قضائی^۳ تصریح شده است که: «... با عنایت به اینکه دستورات مورخ ۱۳/۱۱/۱۷ و ۱۳/۱۱/۲۷ برای جلب متهم و اذن ورود به منزل وی به شرح گزارش مبنای کیفرخواست مغایر مفاد مواد ۱۱۳ و ۱۴۰ آیین دادرسی کیفری می‌باشد، تخلف است و دفاعیات آقای قاضی مشتکی عنه

۱. شماره نظریه ۷/۹۵/۱۵۵۸ شماره پرونده ۱۱۲۰-۱۶۸/۱-۹۵، تاریخ نظریه ۱۳۹۵/۷/۳

۲. ماده ۱۷۵ «استفاده از سامانه‌های (سیستم‌های) رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.»

۳. کیفرخواست شماره ۱۹۳-۸۶/۴/۳۱ دادسرای انتظامی قضات.

موثر تشخیص داده نشد، بنابراین به استناد صدر ماده ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات، آقای «ع. ک» دادرس وقت دادگستری ... به کسر عشر حقوق به مدت یک ماه محروم می شود. این رای قطعی است» (زندی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۴۳).

پس اولاً: در احضاریه باید موارد شکلی خاص مندرج در قانون رعایت شود و ثانیاً: باید این برگ به متهم ابلاغ گردد و در صورت فقدان شرایط ابلاغ (اعم از واقعی یا قانونی)، یعنی فقدان اطلاع از نشانی متهم برای ابلاغ احضاریه، ناچار مکانیزم اطلاع رسانی آگهی روزنامه کثیرالانتشار باید رعایت شود و در صورت عدم رعایت این قواعد تخلف انتظامی مقام رسیدگی کننده قابل بحث و تامل خواهد بود. در این خصوص می توان به نمونه‌ای از محکومیت اشاره کرد که عدم ابلاغ اوراق قضایی در اقامتگاه شاکي و اهمال در انجام وظایف قانونی موجب محکومیت باز پرس شده است. بر این اساس «... عملکرد آقای (پ) در عدم ابلاغ اوراق قضایی در اقامتگاه شاکي انتظامی، اهمال در انجام وظایف مخصوصه تشخیص داده می شود و دفاعیات به عمل آمده در لایحه تقدیمی به نظر موثر در مقام نیست لذا دادگاه به استناد ماده ۱۴ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات حکم بر اخطار کتبی بدون درج در برگ خدمت صادر و اعلام می دارد رای صادره قطعی است» (زندی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۸۹).

حال مسئله مهم دیگر در اعتبار یا فقدان اعتبار (قانونی بودن احضار) وقتی است که شاکي و مرجع قضایی از محل اقامت متهم اطلاعی ندارند و به طریق دیگری مثل حضور اتفاقی و دفعی متهم در مرجع انتظامی یا قضائی و یا دفتر شعبه رسیدگی کننده - منتهی به ابلاغ حضوری به وی شود، این احضاریه فاقد اثر قانونی بوده و لذا واحد حقوقی شناخته نمی شود. در این گونه موارد ضمن بررسی راه حل های قانونی برای جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و البته جلوگیری از تعذر ابلاغ احضاریه، نهایتاً متهم بر طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری از طریق نشر آگهی در روزنامه احضار می گردد.

با توجه به افزایش روش های جدید ارتباطی میان مردم، قانونگذار نیز در صدد بر آمده است که از این ابزارها برای ابلاغ احضاریه ها و سایر اوراق قضایی استفاده کند. به همین دلیل در ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری برای نخستین بار پیش بینی شده است که: «استفاده از سامانه های (سیستم های) رایانه ای و مخابراتی، از قبیل پیام نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نامبر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوا، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت

مقررات راجع به *دادرسی الکترونیکی بلامانع است*.^۱ از آنجا که این شیوه ابلاغ، جدید و فاقد سابقه بوده، تبصره ماده یادشده، شرایط و نحوه استفاده از سامانه‌های مذکور را به موجب آیین‌نامه‌ای دانسته که به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد. این آیین‌نامه^۱ در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۵ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده و هم اکنون بخش عمده‌ای از ابلاغ اوراق قضایی از طریق سامانه الکترونیکی به روش‌های متعدد مذکور ابلاغ می‌گردد.

۳. امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی (ما قبل دادرسی)

منظور از امنیت قضایی، امنیتی است که اساس تنظیم روابط انسان‌ها است و تحقق این مهم همان‌طور که بیان شد عموماً بر عهده قوه قضاییه می‌باشد؛ اگر چه نقش قوای دیگر را نیز نمی‌توان نادیده گرفت، به عبارت دیگر قانون‌گذاری مناسب لازمه امنیت قضایی عادلانه است. با این حال چنان که گفته شد بار اصلی بر دوش قوه قضاییه می‌باشد (فرش پیرا، ۱۳۸۵: ۲۱).

«امنیت قضایی» در واقع نوعی اطمینان و تضمینی است که دولت‌ها برای حفاظت و صیانت از شهروندان خود در مقابل هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان ایجاد می‌کنند تا شهروندان در سایه این امنیت بتوانند فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود را در چارچوب «قانون» به انجام برسانند. «امنیت قضایی» با «اجرای قانونی» رابطه تنگاتنگی دارد؛ زیرا اجرای صحیح و مداوم قانون در جامعه، مستلزم وجود «امنیت قضایی» است و در فرض تعدی و تجاوز به قانون، نهادی باید این حالت را به نظم و ثبات اولیه بازگرداند؛ از این رو امنیت قضایی پیش‌نیاز «اجرای قانون» است و از سوی دیگر نیز «امنیت قضایی» در سایه اجرای صحیح قانون از سوی حکومت و مردم در جامعه به وجود می‌آید (اشراقی، ۱۳۸۶: ۴۱). به اختصار به عوامل مؤثری که نقش رویه قضایی را در تحقق امنیت قضایی را نشان می‌دهند، اشاره می‌نمایم.^۲

۳-۱. اصول تحقق اهمیت قضایی

۱. آیین‌نامه‌ای سی و دو ماده‌ای تحت عنوان آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی در اجرای مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری.

۲. سیفی زیناب، غلامعلی و امیر اقدم، زیما، (۱۳۹۵) بررسی تطبیقی نقش رویه قضایی در تحقق امنیت قضایی و اقتصادی در حقوق ایران و مصر.

۳-۱-۱. استقلال قضات

قضات در رسیدگی پرونده‌ها و دعاوی که به آنها محول گردیده است از نظر قانون دارای استقلال رأی هستند و دادگاه عالی انتظامی نیز از نظر حسن اجرای قوانین در ارشاد قضات سهم بسزائی را واجد است (امینان، ۱۳۵۰: ۳۳ - ۳۲). سپس در صورت حفظ و استقلال رأی و بی نظری قاضی، مردم از اجرای قوانین و عدالت بنحو صحیح و بدون هیچ گونه تبعیضی برخوردار و از مزایای امنیت فردی و اجتماعی بیشتری بهره‌مند خواهند گشت (همان: ۳۴).

۳-۱-۲. قضاوت عادلانه

امنیت قضایی وقتی به وجود می‌آید که دادگاه‌ها و مراجع قضایی در اجرای وظایف قانونی خود به گونه‌ای رفتار نمایند که به حقوق و آزادی‌های افراد لطمه وارد نشود و حرمت انسان‌ها مورد تهدید قرار نگیرد. به منظور ایجاد امنیت قضایی برای شهروندان در مواجهه با دستگاه عدالت کیفری و حفظ حقوق و آزادی‌های آنها بر اساس موازین حقوق بشر، قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی، تضمین‌های مختلفی در نظر گرفته شده است (ساداتی، ۱۳۸۹: ۱۷). بدیهی است که عامل شاخص اجرائی عدالت، شخص قاضی است.

۳-۱-۳. احترام به حقوق مکتسبه

به نظر می‌رسد که یکی از مبانی اصل امنیت قضائی، اصل احترام به حقوق مکتسبه افراد باشد. برای این اصل دو مبنا را می‌توان شناسایی کرد: اعمال آزادی‌های بنیادین و حمایت از حقوق ناشی از قراردادها.^۱

۳-۱-۴. عملکرد بدون تبعیض

«عملکرد بدون تبعیض نظام قضایی» نیز شرط دیگری برای حصول به امنیت قضایی است. عملکرد صحیح و به هنگام دستگاه قضایی در برخی موارد و عملکرد غیر صحیح یا دیر هنگام در موارد دیگر، امنیت آفرین نیست. وجود تبعیض در شیوه عمل و فرآیند قضاوت و احکام صادره نه

^۱ برای مطالعه ر.ک: ویژه، اصل امنیت قضایی، کانون و کلا، شماره ۱۸۳، ص ۱۴۱

تنها برخی شاخص‌های عینی امنیت قضایی را زایل می‌کند بلکه از طریق تأثیرگذاری منفی در ذهنیت مردم، اطمینان را از اذهان ایشان فراری می‌دهد (علینقی، ۱۳۷۹: ۵۸).

۳-۱-۵. وجود وحدت رویه

هر قانون، مدلی از نظم را دیکته می‌کند که به شکل تدریجی پا می‌گیرد و آحاد مردم و جامعه تخصصی به تدریج به آن عادت می‌کنند. وجود وحدت رویه، ضامن امنیت قضایی است. از اطاله رسیدگی‌ها جلوگیری می‌نماید. حال منظور از رویه قضایی، معنای عام آن است، چرا که از جهتی، مهم‌تر از رویه قضایی به مفهوم خاص آن می‌باشد. رویه قضایی خاص، آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور است که در مقام وحدت رویه صادر می‌شود و هم ارزش علمی داشته و هم قاطع اختلافات می‌باشد، اما آن چیزی که فرهنگ قضایی و فرهنگ حقوقی را در جامعه نشر می‌دهد، رویه قضایی، به معنای عام کلمه است، یعنی آرای که شعب مختلف دادگاه‌ها در سطح کشور در موضوعات واحد بیان می‌دارند (نوروزی، ۱۳۷۹: ۷۴).

۳-۱-۶. عدم جواز داوری بیش‌تر از یک بار

مانع شدن از نا هماهنگی آراء قضایی در یک موضوع واحد، امری که باعث عدم اطمینان به احکام دستگاه قضایی می‌شود. قوه قضاییه تا مادامی که دارای کلام نهایی نباشد و یک نزاع واحد چندین بار به دادگاه ارائه شود و یا با مرور زمان به قضات مختلف عرضه شود در این صورت پوشیده نیست که دستگاه قضایی هیچ احترام و کرامتی نخواهد داشت. هم‌چنین نا هماهنگی در احکام، قضا را بدنام می‌کند و باعث از بین رفتن اعتماد به آن و احکام صادره از دادگاه می‌شود.

۳-۱-۷. درک مشترک از قانون

ضمن بازگشت به مفهوم نظم حقوقی، مجموعه‌ای از قواعدی دیده می‌شود که همه باید آن را پذیرفته و به اجرا گذارند و یکی از مقتضیات نظم حقوقی فهم مشترک از قواعد حقوقی است، به طوری که قانون موجود و دستوری که (قانون) صادر می‌نماید برای کلیه کسانی که در عمل با آن مواجه هستند به یک صورت درک شده و بدان عمل گردد. در دستگاه قضایی نیز اگر مشخص نگردد که افراد به چه شکلی برای انجام دادن امور دادرسی خود و طی سلسله مراحل آن عمل

نمایند عملاً دادرسی با مشکل مواجه خواهد شد. باید یک باور مشترک نسبت به قوانین برای تحقق نظم حقوقی وجود داشته باشد و همه آحاد جامعه از قانون یک مطلب را برداشت نمایند، هرچند که امکان اختلاف نظر علمی بین متخصصان وجود دارد، اما باید از قانون فهم عرفی واحدی صورت پذیرد (همان: ۷۴).

۴. تضامین حقوق متهم

با درک مبانی بنیادین یادشده در حین تحقیقات اولیه تا دادرسی ماهوی، متهم از باب داشتن امنیت قضائی دارای حقوقی است که در ادامه به تعدادی از آنها که در این مرحله کارآئی دارند اشاره می‌شود

۴-۱. تفهیم اتهام یا حق اطلاع متهم از موضوع اتهام

حق اطلاع از موضوع اتهام به عنوان یکی از حقوق اساسی در نظام کیفری ایران، از جمله در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است به طوری که از ابتدا و به صراحت پلیس را مکلف نموده است^۱ که در صورت ضرورت بازداشت و لزوم تحت نظر قرار دادن متهم، اتهام به وی تفهیم و ابلاغ شود که این امر هم باید قبل از تحت نظر قرار دادن افراد صورت گیرد تا شخص متهم پیش از سلب نوعی آزادی از وی- در جریان علت و نوع اتهام بازداشت خود قرار گیرد. حال ممکن است پس از اطلاع از موضوع اتهام، دلائل و مدافعاتی از سوی متهم ارائه گردد که حاکی از براءت و بی‌گناهی او باشد و ضرورتی به تحت نظر قراردادن متهم و یا ادامه تحقیقات و تحت تعقیب قرار دادن وی نباشد (زراعت، ۱۳۹۰: ۴۱۴).

در رویه قضایی^۲ نیز مدت زمان بیشتر از ۲۴ ساعت برای متهم تحت نظر موجب محکومت بوده و قضات به این عنوان محکومیت یافته‌اند. یک نمونه از این نوع محکومیت: «آقای ... دادرسی علی‌البدل وقت دادگاه عمومی تهران اولاً: علی‌رغم اینکه متهمین در یک مرحله با دستور معاون قضایی به مدت ۲۴ ساعت تحت نظر بوده‌اند دستور داده تحت نظر باشند و خلاف ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی

۱. ماده ۵۲: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر

را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.»

۲. دادنامه شماره ۴۵-۸۳/۲/۷- دادگاه عالی انتظامی قضات.

دادگاه‌های عمومی و انقلاب عمل کرده است. ثانیاً: جلسه دادگاه را بدون وکیل تعیین شده متهم و ابلاغ وقت به وی تشکیل داده است. علی‌هذا با احراز تخلف قاضی موصوف مستنداً به ماده ۱۴ و ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر یک هشتم حقوق برای مدت سه ماه محکوم می‌گردد.»

از حق تفهیم اتهام به عنوان یک حق اساسی برای متهم در ماده ۱۹۵ قانون آئین دادرسی کیفری این گونه مراقبت شده است که: «بازپرس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند...»

۲-۴. حقوق متهم و ضمانت‌های اجرایی مرحله احضار

نخستین اقدام در مرحله تحقیقات مقدماتی برای بازجویی از متهم، احضار وی به مرجع قضائی است. رعایت مواد قانونی کمک می‌کند تا امنیت قضائی محقق شود: پس تا زمانی که طبق ماده ۱۶۹ احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می‌آید و برابر ماده ۱۷۰ در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌شود و به امضاء مقام قضایی می‌رسد؛ امنیت قضائی هر فرد و خصوصاً متهم تامین می‌شود لکن مهم‌ترین نکته این بخش رعایت مواعد و زمان مقرر است که در ماده ۱۷۱^۱ کمترین فاصله را پنج روز تعیین کرده است؛ لذا قید «به محض روئیت حضور به هم رسانید» که رویه جاری دادرسی شده است، ملاک و معیار قانونی و درستی ندارد.

۳-۴. کفایت ادله برای احضار

اگرچه بر اساس بند «الف» ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری شکایت شاکی برای شروع به رسیدگی کافی است، ولی صرف وجود شکایت یا حتی گزارش ضابطان دادگستری علیه کسی، کافی برای احضار او نبوده بلکه عمل مجرمانه‌ای که به آن شخص نسبت داده می‌شود؛ باید مستند به قرائنی باشد که لااقل احتمال ارتکاب آن از جانب مظنون داده شود.^۲ از این روست که ماده

۱. «ماده ۱۷۱ - فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد.»

۲. ماده ۶۷ - گزارش‌ها و نامه‌هایی که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست، نمی‌تواند مبنای شروع به تعقیب

۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری صریحاً مقرر می‌دارد: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.» امری که طبق تبصره ماده یادشده تخلف از آن موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار برای مرجع احضار کننده است.

برای تامین امنیت قضایی بیشتر، رعایت قاعده کفایت دلایل احضار ضرورت داشته و مراجع قضایی باید مفاد آن را دقیقاً مورد توجه قرار دهند. ولی رویه ناصوابی که اکنون دیده می‌شود این است که گاهی به محض وصول شکایت و یا اعلام جرم، دستور احضار متهم و بازجویی از او صادر می‌گردد که این شتاب و عجله با موازین حقوق بشر و مقررات قانونی سازگار نیست. این موضوع بیشتر علاوه بر بستگی داشتن به شخصیت و نحوه آموزش و تربیت مقام قضائی صادر کننده برگ احضار، وابستگی تامی با نوع جرم و اوضاع و احوال بزه انتسابی و مرحله کشف جرم دارد؛ در هر صورت نباید قواعد شکلی تحقیقات پیش از دادرسی دچار نقص و یا نقض گردد.

الف) درج علت احضار و نتیجه عدم حضور

در ماده ۱۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مندرجات احضاریه - با تغییراتی نسبت به ماده ۱۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ همراه شده است.^۱ چنانچه ملاحظه می‌شود در این تبصره تجویز شده است که احضار کننده در صورت مصلحت می‌تواند دو مورد را در احضارنامه قید نکند: الف. علت احضار ب. نتیجه عدم حضور؛ طبق قانون آیین دادرسی کیفری حاضر نتیجه عدم حضور در هر صورت باید در احضاریه قید گردد. پس در مقررات جدید آیین دادرسی کیفری این مصلحت حذف و مفاد تبصره ماده ۱۷۰ قانون (به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند) حکمفرما است.

ب) بیان علت حضور در ورقه احضاریه

→
قرار گیرد، مگر آنکه دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی است یا همراه با قرآنی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند.

۱. ماده ۱۱۳: «در احضارنامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود. تبصره- در جرائمی که مصلحت اقتضاء نماید، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد.»

هر احضار شده‌ای نگران وضع خود بوده و به حکم فطرت انسانی می‌خواهد علت احضار خود را بداند. نگران گذاشتن فرد احضار شده در برهه‌ای از زمان با حقوق انسانی او مغایرت دارد. در رویه قضایی ایران احضار فرد یا افراد با قید جلب بدون اینکه معلوم گردد به عنوان مطلع احضار شده‌اند و در ادامه به مانند متهم با آن‌ها برخورد و عمل شود؛ نیز تخلف محسوب گردیده است و به این ترتیب که در رای محکومیت قید شده: «... اقدام قاضی مشتکی عنه در زمینه جلب متهم پرونده امر بدون سابقه احضار و نیز عدم اخذ تامین کیفری از متهم فوق‌الاشعار علی‌رغم اعتقاد به مجرمیت وی و همچنین احضار و با قید جلب دو نفر دیگر بدون این‌که تعیین نماید به عنوان مطلع احضار شده‌اند یا متهم به ترتیب منعکس در گزارش مبنای کیفرخواست، تخلف است و دفاع وی در این موارد موثر نیست. بنا به مراتب آقای ... دادیار دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۶ تهران را بابت تخلف‌های مذکور به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تفصیلات انتظامی قضات، به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت سه ماه محکوم می‌نماید.» (زندگی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۲۸).

پ) درج نتیجه عدم حضور در برگ احضاریه

منطق قضایی، موازین عدل و قاعده انصاف ایجاب می‌کند تا متهم از نتیجه عدم حضور خود آگاه گردد. از سویی اصل قانونی بودن دادرسی‌های جزایی ایجاب می‌کند تا فرد احضار شده از نتیجه عدم حضور خود مطلع شود و اگر شخص متهم با علم و آگاهی از نتیجه عدم حضور خود نزد مقام قضایی حاضر نشود، جلب گردد. بنابراین اگر بدون اعلام نتیجه عدم حضور جلب خواهد بود و راساً بدون سابقه ابلاغ احضاریه مبادرت به جلب (جلب پیش از احضار) متهم شود؛ تخلف سهمگینی محسوب می‌شود که موجب محکومیت مالی متخلف (احضار کننده) نیز خواهد بود.

۴-۴. ذکر حق همراه داشتن وکیل در احضارنامه و حق داشتن وکیل

حق برخورداری از وکیل یکی از حقوق بنیادین برای تمامی افراد در مراحل مختلف رسیدگی و یا دادرسی و در محاکم مختلف می‌باشد لذا در مرحله تحقیقات مقدماتی و برای حمایت بیشتر از متهمان در جهت دسترسی آنان به وکیل باید این حق فراهم گردد (european union agency on fundamental rights, 2016:41). اساس این حق را باید به عنوان یک حق بشری جهت تضمین برابری سلاح‌ها در فرآیند دادرسی دانست که در بند ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده و این حق ناظر بر برابری طرفین در فرآیند دادرسی بوده که باید به فرآیند تصمیمات اولیه پیش از

محاكمه نیز بازگردد (ashwroch, 1998:311).

امروزه نه تنها حق داشتن وکیل، بلکه اعلام این حق به متهم نیز یک حق اساسی - بشری محسوب شده است. این در حالی است که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نه تنها به ضرورت اعلام حق داشتن وکیل در هنگام احضار اشاره‌ای نشده بود بلکه حق داشتن وکیل در زمان شروع تحقیق و بازجویی نیز با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. اما اکنون ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری به منظور نزدیک شدن به مقررات حقوق بشری - به لزوم ذکر حق همراه داشتن وکیل در احضارنامه تصریح می‌نماید. بنابراین مقررات جدید آیین دادرسی کیفری نسبت به مقررات قبلی، خود را به اصول دادرسی عادلانه و تحولات جهانی حقوق بشری و رعایت حقوق شهروندی در زمینه حق همراه داشتن وکیل در دادرسی‌های کیفری نزدیکتر کرده و متضمن امنیت قضائی بیشتر شهروندان شده است.^۱

^۱ نکته قابل توجه این که: این حق اولین بار با الحاق تبصره‌ای به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری در تاریخ ۱۳۳۵/۱۱/۳۰ وارد نظام حقوقی ایران شد، پس از انقلاب اسلامی ایران این حق در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۸۷ پیش‌بینی و با وجود به رسمیت شناخته شدن این حق در این مرحله که خود اقدام مهمی در جهت حفظ و تقویت حق دفاع متهم بود؛ اما محدودیت‌ها و نقایص زیادی در متن ماده یاد شده وجود داشت: اول اینکه به لحاظ عدم اشاره به حق داشتن وکیل تسخیری، امکان ارائه وکیل برای همه افراد وجود نداشت. دوم؛ هیچ الزامی به اطلاع‌رسانی برای حضور و همچنین پذیرش وکیل در زمان بازجویی وجود نداشت. مخصوصاً در جایی که متهم در بازداشت به سر می‌برد؛ بازپرس هر زمان این امکان را داشت که متهم را احضار و بدون اینکه وکیل او اطلاعی در این خصوص پیدا کند از وی بازجویی و تحقیق نماید. بر فرض هم که هنگام حضور متهم در دادسرا به شکل اتفاقی وکیل حضور یابد و بتواند لایحه‌ای هم ارائه می‌داد؛ این امکان برای بازپرس وجود داشت که ادامه تحقیقات در جلسات بعدی را بدون حضور وکیل برگزار کند یا حتی پس از خروج وکیل از دادسرا، مجدداً متهم فرا خوانده شود و تحقیقات ادامه یابد. سوم؛ آوردن قید «بدون مداخله در امر تحقیق» که می‌تواند مفهوم گسترده‌ای را القا کند؛ امکان تضییع حقوق متهم را فراهم می‌آورد. وسعت این قید و امکان ارائه تفسیرهای مختلف این اجازه را به بازپرس می‌داد که از مشاوره متهم با وکیل در هنگام بازپرسی جلوگیری کند. اکنون و با وجود قانون فعلی، در صورتی که این امر از دیدگاه بازپرس دخالت در امر تحقیق تلقی شود، در ظاهر معنی پیدا نمی‌کند (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۵۴). چهارم؛ قانونگذار با آوردن عبارت «پس از خاتمه تحقیقات» این شبهه را ایجاد کرده بود که منظور از خاتمه، تمام شدن کل مرحله تحقیقات مقدماتی است یا همان جلسه بازجویی؟ با توجه به اهمیت حضور وکیل در این مرحله، این تفسیر درست نبود که وکیل در پایان تحقیقات تنها فرصت ابراز عقیده پیدا کند زیرا پس از خاتمه تحقیقات مقدماتی، بازپرس فقط مکلف به صدور قرار بوده و دیگر مجالی برای ارائه دلایل رفع اتهام از موکل نبوده؛ پس منظور از ماده یاد شده آن بود که در هر مرحله از تحقیقات و اتمام آن جلسه وکیل می‌توانست اظهارات خود را بیان نماید که این مهم با اصل تساوی سلاح‌ها هم خوانی پیدا می‌کرد؛ هرچند امکان مداخله در رسیدگی برای او وجود نداشت. مضافاً اینکه با وجود تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌داشت: «اگر موضوع جنبه محرمانه داشته باشد یا حضور غیر متهم به

لزوم درج حق همراه داشتن وکیل در احضارنامه و اصل حق داشتن وکیل در قوانین سابق نه تکلیف قاضی بوده و نه به روشنی و درستی که تضمینی در جهت تامین امنیت قضائی متهم است؛ چندان شناخته نشده بود اما در قانون آیین دادرسی کیفری مقرراتی در رابطه با وکلا و تکلیف قضات به اعلام و رعایت این مقررات وجود دارد که به نوبه خود حائز اهمیت بوده و تحولاتی را در این زمینه در ماده ۱۹۰ قانون اخیرالذکر مشاهده می‌کنیم. نکات قابل توجه در این ماده این است که: اولاً در قیاس با مقررات قبلی اکنون محدودیتی در زمینه حضور وکیل و بیان مطالب توسط وی در مرحله تحقیقات مقدماتی وجود ندارد و از همان آغاز تحقیقات وکیل یا وکلای متهم می‌توانند به دفاع از متهم بپردازند. ثانیاً تکلیف مقام قضایی به تفهیم این حق، یعنی حق داشتن وکیل به متهم که در جلسه باید به متهم ابلاغ نموده و در صورت جلسه درج گردد. همین طور تبصره ماده فوق بیان می‌دارد: «سلب حق داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه می‌شود.» این موضوع به خودی خود حاکی از اهمیتی دارد که قانونگذار به حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی قایل شده است. ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید.» در این زمینه قانون با حرکت به سمت سیستم دادرسی اتهامی، در واقع حق داشتن وکیل برای متهم را از همان مرحله اولیه پیش از دادرسی پیش‌بینی نموده است. بنابراین حتی ضابطین قضایی به عنوان عنصر و عامل حاکمیت لازم است که حق داشتن وکیل را برای متهم محترم و مراعا بشمرد. اگرچه از تزیقات جدید قانونی تبصره ماده مورد اشاره است که در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌کند و اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌شود. این امر تعیین وکلای منتخب رئیس قوه قضائیه انتقادات زیادی را به دنبال داشته و در مجموع مغایر با امنیت قضایی موضوع بحث مقاله تلقی می‌شود.

→

تشخیص قاضی موجب فساد باشد و در جرائم علیه امنیت کشور» امکان حضور وکیل متهم باید با اجازه مقام رسیدگی کننده باشد؛ این قیود عملاً دست قضات را به حدی باز می‌گذاشت که هر زمان بخواهند می‌توانستند وکیل را نپذیرند.

۴-۵. حقوق متهم در مرحله جلب

بر اساس ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ نتیجه عدم حضور متهم، جلب متهم است و تصریح ماده ۱۷۰ همین قانون به اینکه در احضاریه «نتیجه عدم حضور قید شود» اشاره به این امر دارد. متهمی که احضار شده، مکلف است در وقت مقرر و یا در مهلت تعیین شده نزد مرجع قضایی حاضر شود. چنانچه وی حضور پیدا نکرد و گواهی عدم امکان حضور ارائه نداد به دستور مقام قضایی جلب می‌گردد. حال بازپرس یا دادیار پس از احضار متهم و عدم حضور وی در وقت مقرر و یا در مهلت تعیین شده، باید ابتدا از نحوه ابلاغ و امکان اطلاع متهم و یا عدم ابلاغ احضاریه، اعم از ابلاغ واقعی یا قانونی، اطمینان حاصل کرده و دقت نماید که آیا وی عذر موجهی برای عدم حضور خود داشته یا به طریقی عذر موجه خود را اعلام کرده است یا خیر؟ به هر حال مقررات مشابه‌ای در خصوص جلب متهم با نحوه ابلاغ احضارنامه در ابتدای امر وجود دارد: ماده ۱۸۱ «جلب متهم به موجب برگه جلب به عمل می‌آید. مضمون برگه جلب که حاوی مشخصات متهم و علت جلب است باید توسط بازپرس امضاء و به متهم ابلاغ شود»

۴-۶. محدودیت در قرار بازداشت موقت

بازداشت متهم در تمام یا قسمتی از مرحله بازپرسی، یعنی قبل از آنکه به موجب حکم دادگاه محکوم گردیده باشد یکی از مسائل مهم و بغرنجی است که پیوسته توجه قانونگذاران، قضات و به خصوص علمای حقوق را به خود جلب نموده است (آشوری، ۱۳۹۱: ۶). این قرار آخرین نوع قرارهای تأمین و نظارت قضایی در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری است. با توسل به قرارهای جانشین (جایگزین)، هم اهداف تأمین کیفری که عبارت از حضور متهم در جلسه تحقیقات مقدماتی تا رسیدگی و اجرای حکم است؛ تأمین می‌شود و هم از زندانی کردن متهم که موجب اضرار به خانواده و از دست دادن کار و کسب متهم است اجتناب می‌گردد و سرانجام هزینه‌های ناشی از قرارهای منتهی به بازداشت و یا سلب آزادی متهم در نتیجه بازداشت موقت که گاهی بسیار سنگین است؛ بر جامعه تحمیل نمی‌شود. در همین زمینه ماده ۹-۳ میثاق بین‌المللی

۱. ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری: «متهمی که بدون عذر موجه حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور

بازپرس جلب می‌شود.»

حقوق مدنی و سیاسی مقرر داشته است: «بازداشت (زندانی کردن) اشخاص که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمین‌هایی شود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد تا اجرای حکم تامین نماید.» هم اکنون توسل به جانشین‌های بازداشت موقت در سطح بین‌المللی تقریباً جنبه الزامی به خود گرفته است (خالقی، ۱۳۹۲: ۲۴۱).

قانون آیین دادرسی کیفری به درستی و در تمام ابعاد از دامنه صدور قرار بازداشت موقت کاسته و موارد قرار بازداشت موقت را تنها در ماده ۲۳۷ خود مشخص و احصا کرده است. همچنین، مقررات جدید دادرسی کیفری، به منظور حفظ حقوق و آزادی‌های اشخاص، قرارهای جانشین بازداشت موقت را گسترش داده تا امکان استفاده از صدور قرار بازداشت موقت محدود شود. به موجب ماده ۲۱۷ این قانون، «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تحقیق در صورت وجود دلایل کافی و پس از تفهیم اتهام به وی، یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر میکند.» البته بر پایه ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی

۱. ماده ۲۱۷: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

- الف- التزام به حضور با قول شرف
- ب- التزام به حضور با تعیین وجه التزام
- پ- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف
- ت- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام
- ث- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام
- ج- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه‌التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط
- چ- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه‌التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات
- ح- اخذ کفیل با تعیین وجه‌الکفاله
- خ- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول
- د- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

کیفری مقام قضایی می‌تواند «متناسب با جرم ارتكابی» در کنار صدور قرارهای تأمین کیفری، قرار نظارت قضایی را برای مدت معینی صادر کند. این نظارت‌ها تدابیری تکمیلی و فرعی در کنار سایر قرارهای تأمین کیفری هستند.

۴-۷. جبران خسارت ایام بازداشت بی‌جهت

بازداشت‌های غیر قانونی و بی‌دلیل که سبب سلب آزادی افراد بی‌گناه می‌گردد؛ مغایرت کامل با حق بر آزادی و ممنوعیت توقیف و حبس خودسرانه افراد دارند. از آنجا که سبب سلب آزادی افراد بی‌گناه، خلاف میثاق حقوق مدنی و سیاسی و قواعد پذیرفته شده حقوق بشری است لذا اولین الزام به جبران خسارات و آسیب‌های افراد بازداشت شده را گوشزد می‌کنند، که این جبران خسارات ضروری است در قوانین موضوعه کلیه کشورها مد نظر قرار بگیرد. (singh and kumar, 2015: 648).

بیان شد؛ مهم‌ترین شاخصه‌های استقلال قضایی عبارتند از: عدم وابستگی قضات دادگستری به گروه‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی، رعایت اصول دادرسی بی‌طرفانه و حرکت در چارچوب قوانین البته گفتنی است که تأمین استقلال قضایی، فقط در صورتی امکان‌پذیر است که قضات و دادرسان لزوماً از آزادی عمل و تضمینات مناسب مادی و معنوی برخوردار باشند. این به معنای آن است که، قضات باید بتواند آزادانه و به دور از فشارها و تأثیرات داخلی، بیرونی، سیاسی و شغلی به انجام وظایف خویش پردازند (زارعی، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸). بدیهی است که مصونیت قاضی مانع از جبران ضرر و زیان ناشی از تقصیر و اشتباه او نیست لذا قانون آیین دادرسی کیفری، حق متهم برای جبران خسارت مدت بازداشت موقت بی‌دلیل را به رسمیت شناخته است. بر پایه ماده ۲۵۵ این قانون اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. البته نظر قانونگذار با به کارگیری عبارت «جریان تحقیقات مقدماتی» در متن قانون موصوف، بر لزوم جبران خسارت از متهمانی است که بی‌گناهی آنان پس از یک دوره بازداشت موقت مشخص شده یا در این مرحله، قرار منع تعقیب آنان صادر می‌شود؛ معین می‌گردد:

ماده ۲۵۵ «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند» در مقابل برای احتراز از سوء استفاده‌های بعدی ماده ۲۵۶ مقرر می‌دارد: «در موارد زیر شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارت نیست: الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد. ب- به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد. پ- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد. ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد»

البته به نظر می‌رسد که جبران خسارت مدت بازداشت، فقط شامل قرار بازداشت موقت می‌شود و موارد دیگری را که به بازداشت متهم انجامیده است را شامل نمی‌شود؛ بنابراین، در مواردی که سلب آزادی متهم به دلیل ناتوانی از معرفی کفیل یا ارائه وثیقه به‌ویژه در مواردی که خود متهم موجبات صدور این قرارها را فراهم آورده باشد؛ حق مطالبه جبران خسارت وجود نخواهد داشت. در رای شعبه اول کمیسیون جبران خسارت استان مازندران^۱ به خواسته جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از بازداشت بی‌جهت به مدت ۲۴۷ روز، ضمن به رسمیت شناخته شدن این موضوع در نهایت پیرامون خسارات مادی ایام بازداشت به پرداخت ۸۶/۴۵۰/۰۰۰ ریال و پیرامون خسارات معنوی (کسر حیثیت و اعتبار) به درج حکم اعذار در جراید کثیرالانتشار صادر و اعلام گردید. هرچند که تجویز جبران خسارت ناشی از بازداشت بی‌جهت متهم از سال ۱۳۹۲ وارد نظام قضایی جزایی گردیده اما در مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین آیین‌نامه شیوه رسیدگی و اجرای آراء کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از

۱. دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۲۰۶۴۱۰۰۰۱ به تاریخ صدور ۱۳۹۷/۰۱/۸: بر اساس این رای «آقای ابوذر ح. (وکیل دادگستری) به وکالت از آقای شعبانعلی. فرزند رمضانعلی، متولد ۱۳۴۱، متأهل، شغل مرغ فروش، درخواست جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از ۲۴۷ روز بی‌جهت موکلش در پرونده به شماره ۹۵۰۰۰۳ از دولت نموده است. پس از جری تشریفات مع‌الوصف اعضای کمیسیون با عنایت به صدور حکم براءت به شماره ۹۵۰۹۹۷۱۵۱۲۵۰۰۴۴ از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان ساری و قطعی آن که حاکی از بی‌گناهی متقاضی یادشده دارد و نظریه کارشناسی رسمی دادگستری که مصون از اعتراض باقی مانده است؛ مستنداً به مواد ۲۵۵ با لحاظ ماده ۱۴، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹ و ۲۶۰ از قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ پیرامون خسارات مادی ایام بازداشت (۲۴۷ روز) حکم به پرداخت ۸۶/۴۵۰/۰۰۰ ریال و پیرامون خسارات معنوی (کسر حیثیت و اعتبار) به درج حکم اعذار در جراید کثیرالانتشار صادر و اعلام می‌گردد. صندوق (مستقر در وزارت دادگستری) پس از قطعی رأی مکلف به اجرای رأی یادشده می‌باشد.»

بازداشت مصوب ۱۳۹۵ رئیس قوه قضاییه، در خصوص مبنای تعیین خسارات مادی و معنوی ناشی از بازداشت بی‌جهت، حکمی وجود ندارد و این امر نیز سبب ابهاماتی در نحوه تعیین خسارت و ارقام موضوع آن گردیده است. از جمله، این که آیا معیار تعیین میزان خسارت تنها میزان درآمدی است که متهم در مدت بازداشت از آن محروم شده است؟ یا این که باید بابت سلب آزادی متهم، رنج و مشقت حاصل از محرومیت وی از خانواده در مدت بازداشت و فشارهای روحی و روانی که وی متحمل شده است نیز تقویم صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

واضح است که برای برقراری امنیت قضایی شرط اول، وجود نظام قضایی کارآمد و عدالت خواه، قوانین کارآمد و آیین دادرسی راه‌گشا، کارکنان متعهد و هوشمند، فضای سالم، فرهنگ لازم جهت حمایت‌های قضایی، پرهیز از حاکمیت سلیقه‌ها و باندها بر دستگاه قضایی، پیشگیری از وسوسه‌های افراد نفوذی و حيله‌گر و ارتباطات ناسالم و نیز برخورد با مفاسد، از جمله رشوه‌خواری، سوءاستفاده، فرصت‌طلبی و حاکمیت روابط بر ضوابط است. بسیاری معتقدند امنیت قضایی در راس امور هر نظام اداری قرار دارد، حقوق ایران نیز با توجه به تاکیداتی که در دین مبین اسلام بر لزوم احقاق حق و عدالت قضایی وجود دارد، بر امنیت قضایی تمرکز ویژه‌ای دارد. بنابراین برای ایجاد امنیت قضایی به نحو کامل (تا اجرای عدالت قضایی) استفاده از ابزارهایی چون رعایت حقوق اصحاب دعوا در تحقیقات مقدماتی و مرحله دادرسی، بسط و گسترش دادرسی عادلانه و ... اهمیت بسیاری دارد. در کشوری که همواره آمار ورودی پرونده به دستگاه قضاییه در حال افزایش است، یعنی اتفاقی که می‌تواند زمان دادرسی و احقاق حقوق را به درازا بکشاند؛ آسیب‌شناسی و بررسی تحقق امنیت قضایی به خصوص در مرحله پیش از دادرسی و در حق متهم ضرورت داشته و در تحقیق حاضر با بررسی سوالات مطرح شده نتایج تحقیق نشان داد که رعایت احکام قاعده منع بازداشت غیرقانونی، مراقبت از حقوق متهم در احضار یا جلب، به عنوان مولفه‌های امنیت قضایی در مرحله کشف جرم و همچنین حق داشتن وکیل، محدودیت در قرار بازداشت موقت، حق اطلاع از موضوع و تفهیم اتهام حق سکوت و اعتراض متهم از معیارهای امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی بسیار مهم هستند. تحقیقات نشان می‌دهد حقوق متهم عبارت است از: مجموعه امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه از بدو اتهام تا صدور

حکم و اجرای حکم لازم است از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض براءت که علیه او مطرح شده است، از خود دفاع کند. از سوی نیز در دفاع از منافع جمعی جامعه، یعنی به بهانه اعمال ساز و کارهای امنیت قضائی نباید به نادیده گرفتن حقوق متهمان دچار شد و به این سبب، مقررات آیین دادرسی کیفری باید به گونه‌ای تنظیم شود که علاوه بر رعایت حقوق جامعه، متهم را نیز در دفاع از خود یاری کند.

همچنین به دیگر عواملی که در تحقق امنیت قضایی مؤثر هستند مانند: شفافیت قانون، انسجام قوانین، تعهد سایر قوا و دستگاه‌های دولت در قبال عدم دخالت در امور قضائی، فراهم کردن زندگی متعادل برای قاضی، مصونیت قاضی از برکناری و عزل، فراهم کردن امنیت شغلی برای قاضی و ... می‌توان تمسک و اتکا کرد و در پایان برای مسطح کردن این مسیر سنگلاخ تا حد اعلای تامین امنیت قضائی پیشنهاد می‌شود:

- برای رعایت حقوق متهم، از جمله در حق سکوت، حق تماس با خانواده و ... ضمانت اجرا تعیین شود. در حال حاضر نقض این حقوق فاقد ضمانت هستند.
- در تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری حق انتخاب وکیل توسط متهمان جرایم خاص سلب شده است که این امر مغایر با امنیت قضایی است لذا باید مقرر اصلاح شود.
- با توجه به طولانی بودن روند تغییر و اصلاح قانون، رویه قضایی می‌تواند با ارائه یک تفسیر منطبق با مقتضیات زمانی هدف قواعد حقوقی گفته شده در باب امنیت قضائی پیش از دادرسی، از جمله جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی را در راه رسیدن به «کارآیی امنیت قضائی» برآورده سازد.
- با وجود تخلف از قانون و عدم رعایت موازین امنیت‌ساز توسط مجریان و یا مأموران قوه قضائیه، در صورت مطمئن شدن از وجود این تخلف و حتمی بودن شکایت شاکی خصوصی، چنانچه این ادعا متناسب با مصلحت اجتماعی و بدون دخالت انگیزه‌های شخصی باشد، برای پیگیری و حرکت به سمت احقاق حق و ایجاد امنیت قضائی در سطح جامعه، مدعی العموم تکلیفاً و رسماً اقدام به رسیدگی نماید.

کتاب‌نامه منابع و مآخذ

- آخوندی، محمود. (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری: کلیات و دعاوی ناشی از جرم*. دفتر اول. چاپ هفدهم. تهران: دوران‌دیشان.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۱). *آیین دادرسی کیفری*. ج دوم. تهران: سمت.
- بهمنی قاجار، محمد علی. (۱۳۸۷). «مبانی و سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی». *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*. ص ۲۵۲-۱۵۲.
- بی‌پروا، امیر. (۱۳۹۷). *رسانه، حقوق بشر و شهروندی*. تهران: میزان.
- حجتی اشرفی، غلامرضا. (۱۳۸۱). *مجموعه قوانین اساسی-ملنی*. تهران: گنج دانش.
- حاجی‌زاده، هادی. (۱۳۹۵). «از امنیت قضایی تا عدالت ماهوی؛ نگاهی دوباره به نسبت عدالت و امنیت در حوزه فقه و امنیت ملی». *فصلنامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت*. سال نهم. شماره سی و سوم. صص ۸۱-۶۳.
- خالقی، علی. (۱۳۹۲). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ ۲۱. تهران: شهر دانش.
- راسخ محمد. (۱۳۸۴). «تئوری حق و حقوق بشر بین الملل». *مجله تحقیقات حقوقی*. ش ۴۱.
- زراعت، عباس؛ حاجی‌زاده، حمید رضا؛ متولی جعفرآبادی، یاسر. (۱۳۹۰). *قانون آئین دادرسی کیفری در نظام حقوق کنونی*. ج ۳. تهران: خط سوم.
- اشراقی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). «امنیت قضایی بر مبنای شرف و کرامت انسانی». *مجله دادرسی*. سال یازدهم. شماره ۶۶.
- زندگی، محمدرضا. (۱۳۹۴). *کتاب هشدارهای انتظامی قضات*. جلد اول. تهران: جنگل جاودانه.
- سینی زیناب، غلامعلی و امیر اقدم، زیما. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی نقش رویه قضایی در تحقق امنیت قضایی و اقتصادی در حقوق ایران و مصر». *مجله*. دوره ۹. بهار و تابستان ۱۳۹۵. صص ۱۹۱-۱۵۷.
- علینقی، امیرحسین. (۱۳۷۹). «امنیت قضایی». *فصلنامه راهبردی*. سال سوم. شماره ۴. ص ۵۸.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). *بایسته‌های حقوق اساسی*. چاپ چهل و پنجم. تهران: میزان.
- کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۷۵). *جمعیت و امنیت ملی؛ همایش توسعه و امنیت عمومی*. معاونت سیاسی و انتظامی وزارت کشور.
- کشاورز، بهمین. (۱۳۸۲). *متن قانون و آیین‌نامه اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب* «معروف به قانون احیاء دادرسی به انضمام متن منقح آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری». تهران: کشاورز.
- کلانتریان، سپیده. (۱۳۸۰). «حق بر دادرسی عادلانه». *مجله وکالت*. شماره ۶.
- موسوی، محمد. (۱۳۹۰). «کشف جرم». *نشریه پیام آموزش*. شماره ۲۴.
- مهاجر، علی. (۱۳۸۱). *مبسوط در آیین دادرسی مدنی*. ج چهارم. چاپ اول. تهران: فکرسازان.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). «علوم جنایی». *مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری*. تهران: سمت.

- ◀ هاشمی، سید محمد. (۱۳۹۱). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ دوم. تهران: دادگستر.
- ◀ ویژه، محمدرضا. (۱۳۸۲). «اصل امنیت قضایی». *مجله کانون وکلا*. ش ۱۸۳.
- ◀ سیاح، مریم؛ گنجی، عبدالحسین و خسرو، نشان. (۱۳۹۴). «امنیت قضایی از منظر فقه امامیه و حقوق ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

لاتین

- Ashworth, Andrew. (1998). *the criminal process: an evaluation study*. Oxford. oxford university press.
- Donnelly, Jack. (1999). *universal humanrights in theory and practice*. London. cornelluniversity press.
- *europaen union fundamental rights agency, rights of suspected and accused persons across the eu: translatin interpretation and information*. luxembourg, publication office of the european union: 2016.
- Jimeno- bullnes, mar. (2010). *towards common standards on rights of suspected and accused persons in criminal proceedings*, ceps liberty and security in europe.
- Singh, Tanya, Kumar Singh, Rajiv and Kumar Singh Pramod. (2015). *right of speedy and fair trial of accused :an over view*.
- Zander, Micheal. (2007). *case and materials in english legal system*. cambridge, cambridge university press.
-